

تحلیل تطبیقی حق حضانت مادر در قرآن و اسناد حقوق بشر معاصر

سیده فاطمه قادری^۱

چکیده

حضانت در فقه اسلامی به معنای سرپرستی و پرورش کودک، هم حق و هم تکلیف والدین محسوب می‌شود. این پژوهش به بررسی مبانی فقهی حق حضانت مادر، با تمرکز بر منابع اسلامی و مقایسه آن با اسناد حقوق بشر معاصر پرداخت. یافته‌ها نشان داد که فقه امامیه با استناد به آیات قرآن (مانند آیه شیردهی) و روایات معصومین(ع)، اولویت حضانت را در سال‌های اولیه زندگی به مادر اعطا کرده و آن را مشروط به شرایطی مانند اسلام، صلاحیت اخلاقی و عدم ازدواج با مرد نامحرم می‌داند. در مقابل، اسناد بین‌المللی حقوق بشر با محوریت مصلحت عالی‌ه کودک و منع تبعیض جنسیتی، بر مسئولیت مشترک والدین و لزوم تصمیم‌گیری موردی تأکید دارند و شرایطی مانند ازدواج مجدد مادر یا دین او را به خودی خود مانع حضانت نمی‌دانند. این تحقیق هم‌چنین چالش‌های اجرایی و اجتماعی پیش روی مادران در اعمال این حق، از جمله محدودیت‌های قانونی، فشارهای اقتصادی و نگرش‌های سنتی را بررسی کرده است. در نهایت، علیرغم تفاوت در مبانی و شرایط، هر دو نظام بر اصل محوری مصلحت کودک و لزوم حفظ رابطه عاطفی او با هر دو والد اتفاق نظر دارند.

کلیدواژه‌ها: حضانت، حقوق مادر، فقه امامیه، کنوانسیون حقوق کودک، مصلحت کودک

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه عصمتیه سمنان

خانواده به عنوان رکن اساسی جامعه، همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی و شرعی بوده است. در این میان، مسئله حضانت یا سرپرستی فرزندان پس از جدایی والدین، از حساس‌ترین و چالشی‌ترین مباحث حقوق خانواده محسوب می‌شود که تأثیر مستقیم بر سرنوشت، تربیت و شخصیت کودک بر جای می‌گذارد. فقه اسلامی به عنوان منبع اصلی قانون‌گذاری در بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله ایران، احکام و شرایط مفصلی را برای حضانت تشریح کرده که مهم‌ترین ویژگی آن، اولویت دادن به مادر در سال‌های اولیه زندگی کودک است. این اولویت مبتنی بر دلایل عقلی، عاطفی و شرعی است که در متون دینی و روایی به کرات بر آن تأکید شده است.

با این حال، در جهان معاصر، تفسیر و اجرای این احکام فقهی با چالش‌های متعددی روبرو شده است. از یک سو، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، با محور قرار دادن مصلحت عالیه کودک و منع تبعیض جنسیتی، چارچوبی متفاوت را ارائه می‌دهند که در آن، معیارهایی مانند جنسیت یا وضعیت تأهل والدین به خودی خود تعیین‌کننده نیست. این امر موجب پیدایش نوعی تعارض یا دوگانگی نظری بین نگاه سنتی فقهی و نگرش مدرن حقوق بشری در موضوع حضانت، به ویژه در مورد حقوق مادر، شده است. از سوی دیگر، رویه‌های قضایی و موانع اجتماعی-فرهنگی در جوامع اسلامی، اغلب مانع از تحقق کامل این حق شرعی برای مادران می‌شود.

موضوع حضانت در فقه امامیه و حقوق ایران، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. آثار بزرگان فقهی مانند محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه نجفی در جواهر الکلام و امام خمینی در تحریر الوسیله به تبیین دقیق شرایط و مدت حضانت پرداخته‌اند. در دوران معاصر نیز کتب و مقالات متعددی به بررسی جزئیات این نهاد پرداخته‌اند. با این وجود، پژوهش‌های تطبیقی جامعی که به صورت خاص به تقابل یا هم‌پوشانی مبانی فقهی حق حضانت مادر با موازین حقوق بشر معاصر و همچنین تحلیل چالش‌های عملی پیش روی آن بپردازد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی این موضوع از آن جهت ضروری است که اولاً، روشن‌سازی نقاط اشتراک و افتراق این دو نظام، می‌تواند به تدوین سیاست‌های حقوقی هماهنگ‌تر و کم‌تنش‌تری بین‌المللی منجر شود. ثانیاً، شناسایی چالش‌های اجرایی و اجتماعی پیش روی مادران، به قانون‌گذاران و دستگاه قضایی کمک می‌کند تا با اصلاح رویه‌ها و تقویت سازوکارهای حمایتی، زمینه تحقق بهتر عدالت را فراهم آورند.

بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که مبانی فقهی حق حضانت مادر در اسلام چیست و این حق در تقابل با موازین حقوق بشر معاصر و همچنین در مواجهه با چالش‌های اجرایی در جوامع اسلامی چگونه

تعریف و تحدید می‌شود؟ هدف از این تحقیق، تبیین نظام مند جایگاه مادر در نظام حضانت فقه اسلامی، تحلیل تطبیقی آن با استانداردهای حقوق بشری و در نهایت، شناسایی و تحلیل موانع و چالش‌های پیش رو در اجرای این حق است.

مفهوم شناسی حضانت در فقه اسلامی

واژه حضانت در لغت به معنای در آغوش گرفتن، پرورش دادن و نگهداری است و در اصطلاح فقهی و حقوقی، شامل سرپرستی جسمی، تربیتی و گاهی عاطفی کودک توسط یکی از والدین یا شخص ثالثی است که از سوی دادگاه صالح تعیین میشود. این مفهوم در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران تصریح شده که حضانت را همزمان حق و تکلیف والدین معرفی می کند. در فقه شیعه نیز حضانت به مثابه مسئولیتی شناخته می شود که در ابتدا بر عهده مادر بوده و پس از رسیدن کودک به سن معین، به پدر واگذار میشود، مگر آنکه مصلحت طفل اقتضای دیگری داشته باشد. از منظر برخی فقهای امامیه، حضانت حقی است متعلق به طفل که والدین وظیفه دار به ایفای آن هستند و نمی توانند به دلخواه از آن صرف نظر کنند.^۱

حضانت در اصطلاح فقهی، به معنای سرپرستی بر تربیت کودک و انجام اموری است که برای پرورش وی ضروری است، مانند نگهداری، تغذیه، نظافت، خواباندن و حفظ از خطرات. این حق در درجه اول برای مادر ثابت است، به ویژه در سنین اولیه حیات کودک.^۲

در فقه امامیه، حضانت هم حق و هم تکلیف والدین (یا جانشینان شرعی آنها) نسبت به طفل صغیر یا مجنون دانسته شده است. محقق داماد تصریح میکند: حضانت عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل و سرپرستی او در امور مربوطه به جسم و جان او مانند غذا دادن، لباس پوشاندن، نظافت، خواباندن، بیدار کردن، مراقبت در برابر امراض و حوادث زیانبار، تربیت بدنی و اخلاقی و دینی او تا زمانی که به حد بلوغ و رشد برسد.^۳

بنابراین، حضانت صرفاً نگره داری فیزیکی نیست، بلکه شامل تربیت و تأمین کلیه نیازهای ضروری کودک برای رشد طبیعی او نیز می شود.^۴

۱. نجمه، صفری جعفر، زنگنه شهرکی، مقاله تطبیقی حضانت فرزند در ایران و سایر کشورها

۲. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۸

۳. محقق داماد، قواعد فقه، ج ۳، ص ۱۱

۴. کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ج ۲، ص ۲۱۴

حق حضانت مادر در منابع اسلامی

مستندات قرآنی:

قرآن کریم مستقیماً واژه حضانت را به کار نبرده است، اما مفاهیم عمیق مرتبط با سرپرستی و اولویت مادر در نگهداری خردسال را در لابلای آیات می‌توان یافت:

۱. آیه شیردهی: «...وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...» (و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند، برای کسی که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند...) صراحتاً شیردهی را حق و تکلیف مادران دانسته و مدت آن را دو سال مشخص می‌کند. این آیه با خطاب قرار دادن مادران به عنوان شیردهندگان اصلی، به طور ضمنی اولویت آنان را در نگهداری طفل در دوران شیرخوارگی تثبیت می‌کند. این امر ناشی از نقش بی‌بدیل مادر در تأمین آرامش و نیازهای عاطفی و جسمی کودک است. این آیه شریفه، گرچه مستقیماً به حضانت اشاره نمی‌کند، اما با تأکید بر دوره شیردهی مادر به عنوان حقی برای کودک و تکلیفی برای مادر، زمینه‌ساز اولویت مادر در نگهداری کودک در سنین اولیه می‌گردد.^۲

در شأن نزول این آیه آمده است که پس از طلاق، برخی پدران مانع شیردهی مادران به فرزندان‌شان می‌شدند؛ آیه با تأکید بر حق مادر در شیردهی، مانع این عمل ناروا شد و تکلیف شیردهی را بر عهده مادران گذاشت.^۳ همان‌طور که ذکر شد، این آیه ضمن بیان حق شیردهی مادر، به‌طور ضمنی بر نقش محوری او در نگهداری کودک در این دوران دلالت دارد، زیرا شیردهی مستلزم حضور و مراقبت مداوم است.

۲. آیه مشورت ذیل آیه شیردهی: «... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...»^۴ (و اگر آن دو [پدر و مادر] با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آنان نیست...). این بخش بر لزوم مشورت و توافق والدین در امور مهم مربوط به کودک (مانند از شیر گرفتن) تأکید دارد. این اصل مشورت و رعایت مصلحت کودک، در بحث حضانت نیز جاری است و نشان می‌دهد تصمیمات باید با توافق یا حداقل رعایت حقوق و نظر هر دو طرف باشد.

۱. بقره: ۲۳۳

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۵

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، ص ۲۸۷

۴. بقره: ۲۳۳

۷. مبنای احکام فقهی، نصوص دینی (قرآن و سنت) و استنباط مجتهدین بر اساس آنهاست، در حالی که اسناد حقوق بشر معاصر مبتنی بر عقلانیت سکولار، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تجربیات بشری است. این تفاوت مبنایی می‌تواند در تفسیر مصلحت تأثیر بگذارد.

۸. تعیین سنین نسبتاً ثابت (مثلاً ۲ و ۷ سال) برای اولویت مادر و انتقال حضانت به پدر در فقه، ممکن است با نگرش انعطاف‌پذیرتر و کاملاً موردی حقوق بشر که مصلحت هر کودک را در شرایط خاص خودش توسط دادگاه بررسی می‌کند، متفاوت باشد. البته فقه نیز نهایتاً مصلحت کودک را حاکم می‌داند و سنین مذکور، اولویت اولیه هستند نه قاعده مطلق.

۹. اگرچه فقه در سن تمیز، نظر کودک را لحاظ می‌کند، اما تأکید و مکانیسم‌های مشخص‌تر ماده ۱۲ CRC برای ابراز نظر کودک و ترتیب اثر دادن به آن (متناسب با سن و بلوغ) ممکن است در برخی نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه، به اندازه کافی پررنگ نباشد.

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که روح حاکم بر آموزه‌های قرآنی و فقه اسلامی در باب حق حضانت مادر، با اصول کلی مندرج در اسناد معاصر حقوق بشر، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، همسویی قابل توجهی دارد. محوریت مصلحت کودک، اهمیت شیر مادر، نیاز به حمایت از مادر در این مسیر، نقش حیاتی مادر در سال‌های اولیه و لزوم حفظ رابطه کودک با هر دو والد، از جمله این نقاط اشتراک بنیادین هستند. قرآن کریم قرن‌ها پیش بر حقوق مادر در دوران شیردهی و نقش ممتاز او در نگهداری کودک تأکید کرده است که نشان‌دهنده نگرش مترقیانه و انسان‌محور آن است.

تفاوت‌های موجود عمدتاً در سطح جزئیات اجرایی (مانند شرط ازدواج مادر در حضانت فقهی)، تعریف دقیق دامنه حقوق (مانند اجرت شیردهی در زوجیت) و مبانی فلسفی تصمیم‌گیری نهفته است. برخی از این تفاوت‌ها (مانند شرط ازدواج) نیازمند بازخوانی و تطبیق با شرایط اجتماعی معاصر با حفظ اصول شرعی و مصالح واقعی کودک است. برخی دیگر (مانند تعیین سنین) با حفظ اصل حاکمیت مصلحت کودک، قابل انعطاف‌پذیری بیشتر هستند.

نظام حقوقی اسلام با الهام از قرآن کریم، در عرصه حق شیردهی و حضانت مادر، ضمن تأمین مصالح عالی کودک، از حقوق و شأن مادر به‌گونه‌ای شایسته دفاع کرده است. این نظام با اسناد حقوق بشر معاصر در اصول کلی و اهداف غایی (تأمین رفاه کودک و حمایت از خانواده) اشتراک نظر گسترده‌ای دارد. تفاوت‌های موجود، بیشتر در چگونگی تحقق این اصول و تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. گفت‌وگوی سازنده بین فقه پویای اسلامی و دستاوردهای حقوق بشری، با محوریت مصلحت کودک و کرامت مادر، می‌تواند به توسعه نظام‌های حقوقی عادلانه‌تر و کارآمدتر در سطح ملی و بین‌المللی بیانجامد.

فهرست منابع

منابع فارسی

قرآن کریم

۱. احمدی طباطبایی، سیدجواد، بررسی تطبیقی حضانت در فقه اسلامی و قوانین ایران، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰

۲. آشوری، محمد، کنوانسیون حقوق کودک: متن، شرح و تحلیل، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰

۳. تدین، عباس، حقوق کودک در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۲

۴. پیوندی، غلامرضا، تحلیل حقوقی کنوانسیون حقوق کودک، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۷

۵. رضوی فرد، بهزاد، تأثیر نگرش‌های اجتماعی بر اجرای قوانین حضانت، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۹۴

۶. رشیدی، لیلا، بررسی تطبیقی حضانت در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۱

۷. شهابی خراسانی، محمود، فقه استدلالی خانواده (نکاح و طلاق)، مشهد: انتشارات انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۷

۸. صلح جو، محمد، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم، ۱۳۸۹

۹. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۸

۱۰. صانعی، پرویز، حقوق حضانت، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹

۱۱. طباطبایی نژاد، فهیمه السادات، حقوق خانواده در پرتو اسناد بین‌المللی. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹

۱۲. عباسی، محمود، مسئولیت والدین و دولت در قبال کودکان در پرتو کنوانسیون حقوق کودک، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۵

۱۳. عبدالهی، محسن و هاشمی، سیدضیا، چالش‌های حقوقی و اجتماعی حضانت مادران مطلقه، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵
۱۴. عمیره، عبدالرحمن، زن در حقوق اسلامی ترجمه حسین صابری، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹
۱۵. فضل الله، سیدمحمدحسین، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، مقایسه‌ای بین حقوق کودک در اسلام و حقوق بشر معاصر، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۵
۱۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، جلد ۲، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲
۱۷. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و دوم، ۱۳۹۷
۱۸. مطهری، مرتضی، حقوق خانواده در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۹۰
۱۹. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۱
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۲ و ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهل و هشتم، ۱۳۸۶
۲۱. موسوی، سیدفضل الله، حقوق بشر در نظریه و عمل، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۲۲. میرخانی، عزت و پرتوی، لاله، چالش‌های اعمال حق حضانت مادران در ایران، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۵
۲۳. مهرپور، حسین، حضانت در نظام حقوقی اسلام و ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۴
۲۴. نوبهار، رحیم، حمایت از حقوق کودکان در حقوق داخلی و بین‌المللی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹
۲۵. وحدتی شبیری، سیدحسن، حضانت کودک از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۸
۲۶. طباطبایی، سید محسن، مقاله حضانت در فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک: مطالعه تطبیقی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۳۲، ۱۳۸۸
۲۷. فتحی، سعید و رحیمی، مرتضی، بررسی تطبیقی حضانت در فقه امامیه و اسناد بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۹۳

۲۸. نجمه صفری، سیدجعفر زنگنه شهرکی، مقاله تطبیقی حضانت فرزند در ایران و سایر کشورها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۵، ۱۳۹۰